

درباره انتخابات مجلس خبرگان

در صفحه ۲

تجربه ۲۸ مرداد

در صفحه ۷

در صفحات بعد:

- شناخت جامعه ایران (۸) - برخی نتیجه گیری های عمومی (صفحه ۳ - ستون اول)
- حل مشکل مسکن در گرو برنامه ریزی و سرمایه گذاری دولتی است (صفحه ۶ - ستون سوم)
- فعالیت ضد کمونیستی امپریالیسم در ایران تشدید شده است (صفحه ۸ - ستون سوم)
- ایجاد ابهام در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران بسود ضد انقلاب است (صفحه ۸ - ستون سوم)
- آزادی - شعری از برزین آذر مهر (صفحه ۸ - ستون اول)

چندروز پیش
۵۴ مستشار
نظامی
آمریکائی
باهلیکو پتر
وارد
ایران
شده اند

ما از دولت میروسیسم :
ورود مستشاران نظامی آمریکا
به ایران برای چه منظوری است؟

مردم

۱۵۲ /

انگن مرکزی حزب توده ایران

این شماره : ۸ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۲
دوشنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

حزب توده ایران فعالیت سازمانی خود را در کردستان ایران آغاز می کند

اعلامیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
همبستگی با خلق قهرمان
فلسطین وظیفه همه
نیروهای انقلابی
ایران است

امام خمینی، طی پیامی، آخرین جمعه ماه رمضان را روز همبستگی بین المللی در حمایت از حقوق ملی و قانونی خلق قهرمان فلسطین اعلام کرده اند. این ابتکار رهبر انقلاب، در شرایطی که امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی یورش و خشایانه علیه خلق قهرمان فلسطین را بیش از پیش شدت میدهند و از هیچ عمل تبهکارانه ای برای ضربت زدن به سازمان آزادیبخش فلسطین و به انقلاب خلق زجر کشیده فلسطین روی گردان نیستند، اهمیت فراوان کسب میکند. جنایت فجیع اخیری که موجب شهادت زهیر محسن، یکی از رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین گردید، و نیز نقشه ای که امپریالیسم آمریکا طرح کرده است تا با همکاری سادات و بگین، یک خودمختاری دروغین را «حل عادلانه» مسئله فلسطین جلوه دهند، فقط جزئی از توطئه های جدید امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی علیه نهضت آزادیبخش مردم فلسطین است.

حزب توده ایران، که همگام با تمام نیروهای ضد امپریالیسم و آزادیخواه جهان، از پیکار عادلانه خلق عرب فلسطین در راه احیای حقوق ملی و تاریخی خود و بازگشت به وطن و تعیین آزاد سر قوشت و تشکیل دولت مستقل خویش، همواره بطور پیگیر پشتیبانی کرده است، از همه نیروهای ضد امپریالیسم و آزادیخواه دعوت میکند که با شرکت فعال در این مراسم، بار دیگر مراتب خشم و نفرت خود را نسبت به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی و همبستگی انقلابی خود را با خلق قهرمان فلسطین ابراز دارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۹ مرداد ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران، از بدو تأسیس خود، مبارزه برای برانداختن هرگونه محرومیت ملی را برای خلق های غیر فارس، که در سرزمین میهن ما زندگی میکنند، یکی از مهمترین مواد برنامه سیاسی خود قرارداد.

حزب توده ایران از همان آغاز بر آن بود که وحدت ملی در کشوری که خلق های متعددی در آن زندگی میکنند، تنها بر پایه احترام متقابل این خلق ها بیکدیگر امکان پذیر است. این احترام متقابل می طلبد که در چارچوب تمامیت ارضی و مرکزیت دولتی کشور واحد، هر یک از این خلق ها بتوانند خودمختاری اداری و فرهنگی خود را تحقق بخشند، بزبان مادری خود تحصیل کنند و در تمام

بقیه در صفحه ۷۴

انقلاب، ضد انقلاب و آزادی مطبوعات

در صفحه ۴

گسترش ظرفیت تولیدی
کارخانه ذوب آهن اقدامیست
در سمت استحکام پایه های
استقلال اقتصادی ایران

بقیه در صفحه ۵

از: احسان طبری

زندگی و پیکار علی

از علی آموز اخلاص عمل
«مولوی»

روز نوزدهم رمضان، علی بن ابیطالب، داماد محمد بن عبدالله، پیغمبر اسلام و شوهر فاطمه، امام اول شیعیان و پدر سبطین (حسن و حسین که امامان دهم و سوم هستند) بدست یکی از «خوارج» در مسجد کوفه، از ناحیه سر، به ضرب شمشیری زهر آلوده، مجروح شد و در اثر این جراحت، روز ۲۱ رمضان، در چهلمین سال هجرت نبوی و به اقرب احتمال در ۶۵ مین سال زندگی، دیده از جهان فرو بست.

مسلمین، بویژه شیعیان علی، این ایام و لیالی نیمه رمضان را مقدس و گرامی می شمردند و ما نیز بدین سبب بموقع میدانیم، از دیدگاه یک مارکسیست ایرانی، که پیوندهای معنوی گوناگونی با زندگی و پیکار و شخصیت تاریخی علی احساس میکند، از این رجل مثبت و جالب تاریخی یاد کنیم.

سرنوشت برای علی بن ابیطالب، زندگی شگفت و دشوار و رنجباری را مقدر ساخته بود؛ زندگی مردی شایسته و دلیر، که به سبب یابند بودنش به ایمان، پیوسته ناشایستگان بر او پیشی میگرفتند و با تمام فرومایگی سرشتی خود، او را میکوبند. این یکی از درس های غم انگیز تاریخ جامعه طبقاتی است که میکوبد، به اصول پابندی، منتظر ضربات جسمی و روحی دشمنان دقل پیشه و دد منش باش. ولی در عین حال تاریخ پیروزی معنوی و ابدیت افتخار آمیز او را نشان میدهد.

علی، از همان آغاز کودکی، پرورده محمد و نهضتین کسی بود که دعوت محمد را باسلام پذیرفت و تا پایان زندگی محمد، در همه سراپاوغزوات (بجز نبرد «بتوک») پرچمدار سپاه اسلام و از شجاعترین سرداران آن بود و بویژه در غزوات «احد» و «خیر» تهور و جوانبازی را به حد اعلی رساند.

علاوه بر شجاعت و جنگاوری، دانا، شیوا، پارسا و درمراعات
بقیه در صفحه ۲

دنیا

با تحلیل های علمی شما را با مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران و جهان آشنا میکند.
با طرح مسائل تئوریک، شما را با جهان بینی و مسائل ایدئولوژیک آشنا میسازد و با دانش انقلابی مارکسیسم - لنینیسم مجهز میکند.
با ارائه رهنمودهای حزب توده ایران، شما را برای مبارزه متحد علیه امپریالیسم و ارتجاع، برای مبارزه پیکر در راه سازندگی جامعه نوین انقلابی میهنمان یاری میکند.
«دنیا» را بخوانید و همه را بخوانند آن فرا خوانید!

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

انقلاب، ضد انقلاب و آزادی مطبوعات

که خود یکی از اسناد قابل استناد است. تمام مدارک اتهام را افشا کنند و در معرض افکار عمومی قرار دهند. ما تأکید میکنیم که رسیدگی به هر اتهامی، از جمله اتهامات در زمینه های مطبوعاتی، باید طبق موازین قانونی - موازین قانونی انقلاب - انجام گیرد تا امکان هرگونه سوء استفاده از جانب هر کس و هر مقامی، از بین برود.

ممکنست گفته شود، توقیف کارکنان روزنامه ها نباید خودسرانه باشد، بلکه باید بر اساس قانون و با ارائه اسناد اتهام انجام گیرد.

میگوئیم، کاملاً موافقیم. باید اولاً معلوم شود که متهم کیست؛ ثانیاً دلایل اتهام چیست؛ ثالثاً متهمان فقط بر اساس مدارک انکارناپذیر باید توقیف شوند؛ رابعاً همه را نباید به این حساب که در فلال روزنامه کار میکنند، بسا یک چوب راند؛ خامساً حتی اشتباهکار نا آگاه را از معرض آگاه باید تشخیص داد. بر این اساس ما می طلبیم که وضع توقیف شدگان بیدرنگ روشن شود و گناهکار و بیگناه دقیقاً شناخته شود و بیگناهان بیدرنگ آزاد گردند و گناهکاران نیز بر اساس مدارک انکارناپذیر طبق قانون مجازات شوند.

ممکنست گفته شود، ضد انقلاب و عناصر راست افراطی ممکن است از این جریان سوء استفاده کنند و مطبوعات و بویژه مطبوعات چپ راستین و انقلابی راستین را هم مورد هجوم قرار دهند و زیر ضرب بگیرند.

میگوئیم، کاملاً ممکن است. ولی اضافه میکنیم که راه جلوگیری از این سوء استفاده، هرزبندی با ضد انقلاب در مطبوعات، انشاء این سوء استفاده و دفاع از آزادی واقعی مطبوعات انقلابی است.

ممکنست گفته شود، با اینهمه ضد انقلاب و نیروهای راست افراطی از این جریان برای حمله به آزادی مطبوعات ممکنست سوء استفاده کنند.

میگوئیم، اگر علی رغم سیاست درست نیروهای راستین انقلابی، نیروهای راستین چپ، ضد انقلاب و نیروهای راست افراطی به آزادی مطبوعات بطور کلی حمله کردند، این دیگر مربوط به مبارزه است که در همه صحنه ها و همه زمینه ها - و نه فقط در زمینه مطبوعات - بین ضد انقلاب و نیروهای راست افراطی از یک سو و نیروهای انقلابی و نیروهای راستین چپ از سوی دیگر وجود دارد و سرانجام آنها هم تناسب نیروها در جامعه حل خواهد کرد.

ممکنست گفته شود، این شتری است که در خانه شما هم خواهد خوابید. بنابراین خوبست به این جریان اعتراض کنید تا اگر زمانی سراغ شما هم آمدند، کسانی باشند که از شما دفاع کنند.

میگوئیم، اولاً تاکنون این ما بوده ایم که بر اساس روش اصولی خود در دفاع از آزادی های دموکراتیک، از جمله آزادی مطبوعات، به اقدامات ضد دموکراتیک علیه همه نیروهای راستین انقلابی، نیروهای راستین چپ، از جمله در مورد مطبوعات، صرف نظر از عقاید سیاسی و مسلکی آنها، صرف نظر از موافقت یا مخالفت آنها با ما دفاع کرده ایم. ثانیاً اتفاقاً کسانی که چنین هشدار می دادند و چنین دلسوزی برای ما میکنند، غالباً کسانی هستند که تاکنون در برابر اقدامات ضد دموکراتیک علیه حزب ما، از جمله در مورد نشریات و مطبوعات سکوت مطلق کرده اند. با اینهمه و علی رغم چنین سکوت (رضایت آمیز؟! در مورد اقدامات ضد دموکراتیک علیه حزب ما، حزب توده ایران به مشی اصولی خود در دفاع از آزادی های دموکراتیک برای همه نیروهای راستین انقلابی، نیروهای راستین چپ، صرف نظر از عقاید سیاسی و مسلکی آنها، صرف نظر از موافقت یا مخالفت آنها با ما، همچنان ادامه خواهد داد. ثالثاً ما به صحت مشی خود در دفاع از انقلاب، در دفاع از دستاوردهای انقلاب، در مبارزه برای حفظ و تحکیم و گسترش آن اعتقاد راسخ داریم و گسترش نفوذ و اعتبار حزب ما در بین توده های مردم، در همین دوران بسیار کوتاه فعالیت علنی، علی رغم دشواری های فراوان که در سر راه آن پدید آوردند، هم صحت این مشی را بشیوت رسانده و هم در نتیجه اعتقاد ما راسخ تر کرده است. آنوقت فعالیت و هجوم ضد انقلاب و نیروهای راست افراطی به رهبرانای وزیر و نااهلی، علیه حزب ما یک عمل ضد انقلابی است، و این عمل ضد انقلابی را عناصر و نیروهای آگاه انقلابی بلافاصله و عناصر و نیروهای نا آگاه، ولی صادق، دیر یا زود درک خواهند کرد و بمقابله با آن خواهند پرداخت.

این واقعیت را باید هرگز و برای لحظه ای هم فراموش نکرد که روند انقلابی، روندی است طولانی، دشوار و پرنهج، که برای نیروهای انقلابی فراز و نشیب، پیروزی و ناکامی، پیشروی و عقب نشینی را در بردارد، تا سرانجام به پیروزی قطعی و نهائی برسد. ما تمام این جزر و مد ها را ۳۸ سال است که آزمایش کرده ایم و از سر گذرانده ایم و همه، همه آنها را که واقع بین و با انصافانند، می بینند که حزب ما، علی رغم فشار و تضییقی که به نسبت سایر نیروهای سیاسی یگانه بوده است، زنده مانده، زنده است و زنده خواهد ماند، درست به این دلیل که انقلابی است و در خلق، در زحمتکشان، در طبقه کارگر ایران ریشه دارد. این واقعیت را هم هیچکس نباید لحظه ای فراموش کند. ما از «هیچ شتری که در خانه ما میخوابانند» باک نداریم زیرا مطمئن هستیم که دیر یا زود، دست ساربان زمانه آن شتر را از آنجا بلند خواهند کرد.

توقیف روزنامه آیندگان و آهنگر، بار دیگر مسئله آزادی مطبوعات را در ارتباط با دفاع از انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب مطرح ساخته است. و چون هر بار مسئله ظاهراً به شکل تازه ای مطرح میشود - در حالیکه اصل مسئله بیچوجه تازه نیست - مسأله نظر خود را بار دیگر برای رفع ابهامات، سوء تفاهمات و پرسشهایی که، گاه صادقانه وجود دارد و گاه مغرضانه بوجود آورده میشود، بیان میداریم.

رژیم پهلوی سرنگون شده و امپریالیسم پشتیبان آن ضربت دیده، ولی عوامل و بازمانده های آن تا نبودند اند. در مجموعه دستگاہی که از رژیم سابق بجای مانده، آنها مواضع مهم و حساسی را همچنان در اختیار دارند، از جمله در مطبوعات.

ضد انقلاب - امپریالیسم و بازماندگان رژیم پهلوی - از مواضعی که در اختیار دارند، برای تحریک، توطئه، آشوب، تفتین، تفرقه افکنی، اخلال، خرابکاری، سردرگمی، گمراهی و در یک کلمه برای تضعیف انقلاب و رهبری انقلاب استفاده میکنند، از جمله بوسیله مطبوعات.

ضد انقلاب برای دفاع از مواضع خود، برای تحکیم آنها، برای تدارک تعرض عمومی خود علیه انقلاب از همه وسائل استفاده میکنند، از جمله از مطبوعات.

دفاع از انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب از جمله بمعنی پاکسازی مجموعه دستگاہی است که از رژیم وابسته به امپریالیسم باقی مانده، از جمله مطبوعات، بمعنی تقویت انقلاب و رهبری انقلاب است، از جمله بوسیله مطبوعات، بمعنی ختنی کردن فعالیت مخرب و توطئه گرانه ضد انقلاب است، از جمله در مطبوعات.

لذا آزادی مطبوعات، مانند هر آزادی دموکراتیک دیگری، فقط در چارچوب دفاع از دستاوردهای انقلاب، تقویت انقلاب و پیشبرد انقلاب مجاز است. بسخن دیگر ضد انقلاب نمیتواند و نباید از آزادی های دموکراتیک - از جمله از آزادی مطبوعات - استفاده و در واقع سوء استفاده کند. این نقض غرض است.

این در واقع دشمنی با آزادی واقعی است. اگر این واقعیت درست است، که با ضد انقلاب در مطبوعات هم باید مبارزه کرد، اگر درست است که توطئه ضد انقلاب را در مطبوعات هم باید ختنی کرد، آنوقت باید این واقعیت را تأکید کرد که، اگر مسئله پاکسازی در مجموعه دستگاہی که از رژیم وابسته به امپریالیسم باقی مانده، با

کندی پیش میرود، اگر مبارزه با ضد انقلاب و ختنی کردن توطئه های ضد انقلاب در زمینه های مختلف بارکود، سستی، اهمال و اقماض روبرو است، این پاکسازی، این مبارزه، این ختنی کردن، تاکنون در مطبوعات اصلاً انجام نگرفته است.

مگر این واقعیت قابل انکار است که گردانندگان اصلی برخی از مطبوعات از سرسپردگان و مداحان و وابستگان شناخته شده رژیم پهلوی هستند؛ مگر این واقعیت قابل انکار است که حتی برخی از ساواکی های شناخته شده بکار خود در برخی مطبوعات ادامه میدهند؛ مگر این واقعیت قابل انکار است که چنین مطبوعاتی با چپ نمائی و جمله بردازی انقلابی و نقاب آزادپنحواهی، ولی در واقع در عمل همان سیاست گذشته را بر علیه انقلاب و رهبری انقلاب ادامه میدهند؛ مگر این واقعیت قابل انکار است که چنین مطبوعاتی نیروهای راستین چپ، نیروهای راستین انقلابی را هم بدنام و بی اعتبار میکنند و از این جانب هم به ضد انقلاب و نیروهای راست افراطی برای حمله به نیروهای راستین چپ و نیروهای راستین انقلابی بها نه میدهند؟

آنوقت آیا میتوان زیر نام «دفاع از آزادی مطبوعات» با پاکسازی مطبوعات از چنین عناصری، با ختنی کردن توطئه های ضد انقلاب در چنین مطبوعاتی مخالفت کرد؟ آیا میتوان زیر نام «دفاع از آزادی مطبوعات» اجازه داد که ضد انقلاب از چنین وسیله مهم و مؤثری آزادانه استفاده کند؟ نه، نمیتوان! مطبوعات هم از عناصر ضد انقلابی باید پاکسازی شود، با ضد انقلاب در مطبوعات هم باید با قاطعیت و پیگیری مبارزه کرد. فعالیت ضد انقلاب را در مطبوعات هم باید سرکوب کرد.

توقیف روزنامه آیندگان و آهنگر را، که نه فقط بر اساس ارتباطاتی که دارند، بلکه با نوشته های شان به ضد انقلاب کمک کرده اند، باید فقط در این چارچوب ارزیابی کرد. بنظر ما، چنین است رابطه انقلاب، ضد انقلاب و آزادی مطبوعات. و اما در اینجا مسأله دیگری هم ممکنست مطرح شود، که باید به آنها پاسخ گفت.

ممکنست گفته شود، توقیف روزنامه ها نباید خود - سرانه باشد، بلکه باید بر اساس قانون و با ارائه اسناد اتهام انجام گیرد.

میگوئیم، کاملاً موافقیم. و بهمین جهت از مقامات مسئول می طلبیم که صرف نظر از نوشته های این روزنامه ها -

همسان کردن تعطیلات رسمی کارگران و کارمندان تصمیمی است بجا ولی

حذف روز اول ماه مه از تعطیلات رسمی کارگری مایه تعجب و تأسف است دولت باید در این تصمیم نادرست خود تجدید نظر کند

در جلسه مشترك هیئت دولت و شورای انقلاب، تعطیلات سالانه تعیین و با اطلاع عموم رسید. همسان کردن تعطیلات رسمی کارگران و کارمندان، که تصمیم دولت بر آن تأکید دارد، گامی است عادلانه، که بر شناسائی حقوق کارگران دلالت میکند.

حزب ما از آغاز موجودیت خود، خواهان بر خورداری کارگران از تعطیلات رسمی، همپای کارمندان بوده و کمر آراده بر ضرورت آن تأکید کرده است. حزب توده ایران معتقد بوده است که طبقه کارگر، که از نظر ساعات کار روزانه و نیز از نظر کیفیت کار، بار سنگین تری را نسبت به سایر طبقات و قشرها بر دوش دارد، باید بتواند از تعطیلات رسمی سالانه مانند سایر گروه ها و قشرها برخوردار گردد و هرگونه تبعیض در این مورد باید از میان برداشته شود.

رژیم ضد کارگری شاه مخلوع که هدفش استثمار هر چه بیشتر کارگران بود، در این مورد نیز از یک سیاست ضد کارگری تبعیض آمیز ۱۲ روز رسال تعیین کرده بود، که کمتر از تعطیلات رسمی کارمندی بود. اکنون که این تبعیض بیجا از میان برداشته شده، ما آن را بیش از گامی در جهت احقاق حقوق کارگران ارزیابی میکنیم.

اما آنچه در تصمیم اخیر دولت مفهوم نیست، حذف روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران، از تعطیلات رسمی کارگری است. حکومت رضاشاه، با خصلت عمیقاً ضد کارگری خود، که حتی از نام «کارگر» هم هراس داشت، نه برای کارگران حق و حقوقی قائل بود و نه روز جهانی کارگران را به رسمیت میشناخت.

اوج جنبش کارگری در سالهای پس از شهریور بیست و نهم، در شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران، این فرصت را برای کارگران پیش آورد که روز اول ماه مه را بعنوان تعطیل رسمی به دولت تحمیل کنند. با کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب جنبش

ضد استعماری مردم ایران، دستاوردهای طبقه کارگر پایمال حکومت سرنیزه و اختناق شد و بندریج روز ۲۴ اسفند، روز تود رضاخان، بعنوان «روز کارگر» بر زحمتکشان تحمیل گردید، هر چند که طبقه کارگر در صورت مختلف، ولو در پنهان، روز اول ماه مه را جشن میگرفت و تجدید سوگند میکرد.

اوج مبارزات در دوران قبل از انقلاب، رژیم پیشین را مجبور ساخت تا «روز کارگر» من در آوری و توهین آموز خود را منخوش اعلام کند و روز اول ماه مه را، بعنوان روز جهانی کارگران، به رسمیت بشناسد.

پس از پیروزی انقلاب، کارگران و زحمتکشان ایران، پس از سالها، نخستین اول ماه مه را در مراسم کشور باشکوه و جلال تمام برگزار کردند و انتظارشان آن بود که روز جهانی زحمتکشان از سوی دولت بر رسمیت شناخته شود. اما با کمال تأسف و تعجب، در تصمیم اعلام شده دولت، روز اول ماه مه از تعطیلات رسمی کارگری حذف شده است.

روز اول ماه مه، روز جهانی طبقه کارگر، روزی که طبقه کارگر علیه استثمار سر مایه، روز تحکیم پیمان در مبارزه علیه ستم طبقاتی است که از طرف اکثریت کشورهای جهان سازمانهای معتبر بین المللی بر رسمیت شناخته شده است. شمار کشورهای که روز اول ماه مه را نادریده گرفته اند، شاید به شمار انگشتان دست هم نرسد. در اینصورت زحمتکشان ایران و بویژه طبقه کارگر حق دارد متعجب و متأسف باشد که چرا در ایران پس از انقلاب و سرنگونی رژیم ضد کارگری پهلوی، روز اول ماه مه نادریده گرفته شده است.

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:

۱ - ترجمه جدید اثر لنین در باره فریدریش انگلس از محمد پور هرمان

۲ - ما تریالیسم تاریخی (کتاب دوم) تألیف امیر نیک آئین.

بزودی منتشر میشود:

ما تریالیسم دیا لکتیک (کتاب اول) تألیف امیر نیک آئین.

تذکر

در مورد اخبار خرمشهر - مندرج در شماره ۵۱ مردم - برای رفع هر گونه سوء تفاهم، یکبار دیگر تأکید میشود که آقایان محمد علی کازرونی و مهدی جله، در حمله به کتاب فروشی اتحاد، هیچگونه دخالتی نداشته اند.

ساعت گم شده

یک عدد ساعت معچی زنانه توسط یکی از رفقای جوان ما پیدا شده. از صاحب آن خواهشمندیم برای دریافت ساعت به دفتر مردم مراجعه کند.

اخبار کارگری

سندیکای مستقل کارگران خیاب تهران و حومه

یکی از کارگران خیاب زن بنمایندگی از طرف کارگران کارخانه توسن گفت: «من کارگری از کارخانه توسن هستم. من ۲۲ نفر دیگر سالهاست که در این کارخانه کار میکنیم. ۱۵ سال است که سابقه کار داریم. در این کارگاه برای جدا کردن ما کارگران از هم، به این خاطر که از هم بی اطلاع باشیم و با هم اتحاد نداشته باشیم، ما را به اطاعتی انفرادی برده اند. من با اینکه ۱۵ سال سابقه کار دارم و همچنین دیگر کارگران که سابقه زیادی دارند، هنوز بعنوان کارآموز محسوب میشویم. کارفرما به این طریق برای بیمه و غیره پول کمتری میپردازد مگر بیشترمان زن هستیم، ۱۲ ساعت در روز کار میکنیم. خواسته های ما بقراردزیرین است:

- ۱- ۴۰ ساعت کار در هفته،
 - ۲- لغو کارمزدی،
 - ۳- اگر کارگران به میل خودشان روزهای تعطیل کار کنند، دو برابر مزد بگیرند.
 - ۴- کارفرما خودسرانه حق اخراج کارگر را نداشته باشد.
 - ۵- بیمه کارگران.
- کارگران سندیکا تصمیم گرفتند برای گرفتن حق کارگران کارگاه توسن به آنها کمک کنند. آنها حتی تصمیم گرفتند که در صورت لزوم دست به تصنیف بزنند. البته تصمیم گرفته شد که ابتدا نماینده های برای حل اختلاف به آن کارگاه بفرستند.

شرکت ایرتیک در جهت کمک به گسترش صنایع داخلی

آنها را سازد تا بتواند از این طریق دست امپریالیسم را از صنایع ایران کوتاه کند.

۲- اقداماتی در جهت تهیه طرح کارخانه قند، سیمان و مس سرچشمه شروع کرده و در مورد مس سرچشمه تا حدود زیادی به موفقیت رسیده و همین روزها قرارداد مس سرچشمه را این شرکت خواهد بست. تا در جهت انجام بقیه پروژه فعالیت کنند. در ضمن مدیرعامل مس سرچشمه از این شرکت بازدید کرده و این بازدید رضایت بخش بوده است.

۳- یک سری از افراد پرسنل متخصص این شرکت از طریق وزارت صنایع و معادن مامور شده اند تا کارخانجاتی را، که یا ملی شده اند یا مدیریت آن عوض شده اند، سرسامان داده و چرخ این گونه کارخانجات، مثل ماشین سازی اراک

کارگران زن را اخراج کرده اند

کارخانه «ملازمین زربین» سمنان، زنان کارگر خود را، ظاهراً بدلیل نداشتن مواد اولیه اخراج کرده است. تعداد این کارگران ۲۵ نفر است. کارفرمای فعلی، که بعد از پیروزی انقلاب از تهران بجای کارفرمای قدیمی کارخانه آمده و به ادعای خودش در مالکیت کارخانه سهمی ندارد و فقط ۷ هزار تومان از صاحب کارخانه پول میگیرد، زنان کارگر را بیکار کرده است. کارفرما در موقع اخراج به آنها میگوید:

چون مواد اولیه نیست و معلوم هم نیست که چه وقت «مواد» بیاوریم، فعلاً کاری با شما نداریم و هر وقت که «مواد» آوریم، دوباره به سر کارتان برگردید!

این کارگران بیکار در قبال بیکاری اجباری خود، هیچ پولی هم دریافت نمیکنند و سازمان مسغولی هم نیست که از آنها حمایت کند. فعلاً دو هفته است که کارگران بیکار شده این دروآن در میزنند و هیچ سازمانی هم جویا بکوی درد آنها نیست. موقع اخراج آنها کارفرما آنها را به استنادی رجوع داده بود، که گویا در استنادی، دولت صندوق وام بیکاری تشکیل داده است.

و اما کارگران مرد این کارخانه، اخراج زنان کارگر را قدمی جدی برای خواباندن این کارخانه میپندارند.

کارگران نه نماینده ای منتخب خود دارند و نه سندیکائی تشکیل داده اند و اکثر آس و سوز کارفرما کارگران باسواد را از چند وقت قبل اخراج کرده و اصلاً کارگر جوان استخدام نمی کند.

کارگران با اتحاد خود موفق میشوند

بدنبال اخراج ۱۶ نفر از کارگران یک کارگاه خیاطی، توسط کارفرمای آنها، به این دلیل که عضو سندیکاشده بودند، (این گزارش در شماره های قبل «مردم» درج شده بود) با کوشش سندیکا و اتحاد کارگران، اولاً کارفرما مجبور شد آنها را به سر کار برگرداند و ثانیاً آنها را بیمه کند. این خبر بسیار دیگر نشان میدهد که تنها راه برای اینکه کارگران به حقوق صنفی خود برسند، تشکیل درسندیکائی واقعی کارگری است.

گسترش ظرفیت تولیدی کارخانه ذوب آهن اقدامیست در سمت استحکام پایه های استقلال اقتصادی ایران

شکوه مند دستاوردهای انقلابی مردم میهن ماست.

دول امپریالیستی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، که در تمام دوران اوج گیری جنبش انقلابی، با تمام نیرو به شیوه های آشکار و پنهان از رژیم شاه مخلوع پشتیبانی میکردند و برای سرکوب جنبش انقلابی نقشه های تبهکارانه و شیطانی امحاء میلیونها نفر از مردم کشور ما را طرح میکردند، پس از شکست و عقبماندن این نقشه ها، در برابر نیروی سول آسای جنبش انقلابی و قیام همگانی خلق، بوسیله بازمانندگان رژیم سرنگون شده و عوامل مزدور خود، به تحریک و توطئه و خرابکاری دست زدند و اینک که همه این تلاشها با ناکامی روبرو میشوند و در برابر پیشرفت روند انقلابی خود را عاجز و ناتوان میبینند، نقشه هماهنگ فشار و محاصره اقتصادی کشور ما را طرح نموده و بمورد اجرا میگذارند. در چنین شرایطی، ابراز حسن نیت از جانب اتحاد شوروی در گسترش روابط حسن همجواری و همکاریهای اقتصادی و فنی با ایران، نشانه های اصولی سیاست خارجی این کشور سوسیالیستی در رابطه با انقلابهای مردمی و ضد امپریالیستی است. پشتیبانی و دفاع از دستاوردهای انقلابی و کمک به استحکام نهادهای سیاسی و اقتصادی این خلقها از جانب اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی موجب تقویت مواضع سیاسی و اقتصادی آنها در مبارزه علیه امپریالیسم و فشارهای سیاسی و اقتصادی آن میگردد.

توسعه و تقویت روز افزون بنیه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که بر امکان همکاری اقتصادی و کمک های فنی این کشورها به کشورهای نواستقلال و در حال رشد میافزاید عامل مؤثری است برای پیروزی کشورهای نواستقلال در جهت رهایی کامل از وابستگی های اقتصادی به دول امپریالیستی. در نتیجه پیدایش همین امکانات است که جنبش کشورهای غیر متعهد، در بساز سازی مجموعه نظام روابط اقتصادی بین المللی اصرار میورزد و خواستار دگرگونی بنیادی این نظام بر اساس برابری حقوق کامل، نفع متقابل و عاری از هرگونه شرایط سیاسی است.

منافع مردم میهن ما و پیشرفت و تعمیق روند انقلاب در میهن ما ایجاب میکند که دولت جمهوری اسلامی ایران از آمادگی و حسن نیت کشور بزرگ همسایه شمالی ما برای گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی استقبال کند و بنوبه خود از این امکانات نفع استحکام استقلال سیاسی و اقتصادی میهن ما و گسترش مناسبات دوستانه بین خلقهای دو کشور هر چه بیشتر استفاده نماید.

چهاردهم مرداد ماه پروتکل مربوط به توسعه تولید کارخانه ذوب آهن اصفهان تا میزان یک میلیون و نهصد هزار تن در سال، از طرف مدیر عامل شرکت ملی ذوب آهن ایران و رئیس اتحادیه سراسری صادرات صنایع سنگین اتحاد شوروی به امضاء رسید. تولیدات این مجتمع بزرگ صنعتی بزودی بمرز دو میلیون تن نزدیک خواهد شد.

طبق طرح اولیه، گسترش ظرفیت تولیدی این مجتمع صنعتی تا شش میلیون تن در سال پیش بینی شده است. طی مذاکراتی که در زمینه مطالبات پیشین اتحاد شوروی از ایران بعمل آمد، اتحاد شوروی گذشته های قابل ملاحظه ای در مورد این مطالبات نمود و باتحقیقات کلی نفع ایران موافقت کرد. امضای پروتکل مربوط به توسعه تولید کارخانه ذوب آهن اصفهان به افسانه سودآور نبودن این مجتمع صنعتی مادر، ساخته و پرداخته نیروهای که تلاش داشتند و دارند تا روابط اقتصادی و همکاریهای صنعتی و فنی ایران با اتحاد شوروی را با روابط غیر برابری و تحمیلی دول امپریالیستی با میهن ما همسنگ جلوه دهند و در نتیجه اهداف و پی آوردهای سیاست نواستعماری امپریالیسم رادر سایه قرار دهند، پایان بخشید.

برغم این افسانه پردانه ها، همکاری اقتصادی و فنی اتحاد شوروی با ایران به پیشرفت مستقرانه اقتصادی و صنعتی و گسترش نیروهای مولد و اعتلای سطح تکنولوژی معاصر در کشور ما مساعدت میکند و پایه های عینی و مادی را جهت استقلال اقتصادی کشور بوجود میآورد و این امر واقعیه بلاواسطه ایست در راه توفیق در مبارزه ضد امپریالیستی و رهایی کشور از وابستگیهای اقتصادی به انحصارات امپریالیستی.

همکاری اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با کشورها، یک در راه استقلال سیاسی و اقتصادی خود مبارزه میکنند و اهرمهای وابستگی به امپریالیسم را از سر راه پیشرفت خود بر میدارند، امکانات تحمیل سیاست استعماری و نواستعماری انحصارات امپریالیستی را بر کشورهای در حال رشد محدود میسازد.

از سوی دیگر، توافق در مورد گسترش ظرفیت تولیدی کارخانه ذوب آهن، بر زمینه سیاست و روشهای دول امپریالیستی نسبت به ایران پس از پیروزی انقلاب، اهمیت ویژه ای کسب میکند و شاخص برجسته دو سیاست مختلف و در برخورد متفاوت نسبت به انقلاب

موتور دلخراش یک کارگر

چندی پیش در کارخانه «کره باهداد» اتفاق ناگواری رخ داد. جریان از این قرار بود، یکی از کارگران با اینکه روز جمعه بود و روز تعطیل، در سردخانه این کارخانه مشغول کار بود. در این سردخانه بسته های کره ۲۵ کیلوگی طبق قانون بایستی که در ۱۳ ردیف از پائین به بالا چیده شود. اما بر خلاف قانون و برخلاف امکانات سردخانه تا ۲۵ ردیف بسته های کره ۲۶ کیلوگی چیده شده بود. و این کارگر هم مشغول چیدن قالبهای کره بود که ناگهان دود دود از قالبهای کره ۲۵ کیلوگی از بالا بروی این کارگر سقوط میکند و بلافاصله باعث متلاشی شدن مغز او میشود.

بطور کلی کارگرانی که مسئول پیاده کردن و بالا بردن بار هستند، در این کارخانه بیمه نیستند و بطور ثابت و دائمی کارفرما آنها را استخدام نمیکنند. اغلب این کارگران باربر کسانی هستند که از روستاها به علت وضع نابسامان خود مهاجرت کرده اند. این کارگر هم یکی از آن کارگران بود که از روستائی از توابع «میانه» برای کار کردن به تهران آمده بود. این کارگر نامش «کریم غفاری» و دارای ۴ فرزند بود، صاحب کارخانه گفته است که خرج خانوادگی او را خواهد پرداخت.

کارگران چای سندیکای خود را تشکیل دادند

کارگران چای برای ایجاد سندیکای واقعی، روز چهارشنبه ۵۸/۴/۲۷، در محل خانه کارگر، حضور یافتند و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کردند. در این انتخابات، از اینکه افراد کمتر از ۲۵ سال نمیتوانستند بعنوان نماینده انتخاب شوند؛ کارگران اظهار ناراضگی کردند. در سخنرانی به ایجاد سندیکای واقعی و چگونگی کار آن اشاره شد. و نیز در مورد وظایف نمایندگان و مسئولیتی که بهمهده میگیرد، تاکید بعمل آمد. این کارگران که در بازار با شرایط بسیار دشوار محیط کار و دستمزد ناچیز روبرو هستند قبل از انقلاب بعلمت کم کاری نمایندگان سندیکای قبلی و عدم فعالیت بسود آنها، حتی از خواستن و بزبان آوردن حقوق خود بیم داشتند، چه رسد به اینکه به انتظار عمل آنها بنشینند. بهمین خاطر از اقدام برای ایجاد سندیکای واقعی و رسیدن بحقوق قانونی خود با شور و اشتیاق بی نظیر استقبال کردند. کارگران چای برای عضویت و شرکت در این سندیکا از دیگر کارگران، که در این سندیکا شرکت نکرده اند، دعوت بعمل آوردند.

توضیح: این سندیکای کارگران چای مربوط به کارگرانی است که در بازار مشغول بسته بندی و انواع و اقسام کارهای دیگر مربوط به چای هستند.

در شرکت باتلر - کالورن

شده و جلوی استفاده های خصوصی تعدادی از مهندسين و کارمندان شرکت از وسائل نقلیه گرفته شده است.

در شرکت باتلر - کالورن اطلاعاتی برای دلجوئی از رانندگان و خدمه صادر شده است. بر این اساس به قسمتی از مشکلات رانندگان رسیدگی

کارگران کارخانه صادراتی امید اجرای بخشنامه وزارت کار را می خواهند

طبق بخشنامه ای که از وزارت کار به تمام مراکز کار داده شده است، در روزنامه ها نیز چاپ شد، حداقل حقوق کارگران تعیین شده است و کارفرمایان طبق این بخشنامه مکلفند که این قانون را از اول سال ۵۸ بمورد اجرا گذارند. طبق این بخشنامه کارفرما باید این مبلغ را بحقوق کارگران اضافه کرده پرداخت نماید. در کارخانه صادراتی امید، واقع در خیابان رزم آرا، کارفرما از پرداخت این قسمت از حقوق حقه کارگران امتناع میورزد و باعث ناراحتی کارگران شده است. با اینکه نماینده وزارت کار، کارفرما را ملزم به پرداخت حقوق کارگران کرده، با این وجود کارفرما از پرداخت حقوق کارگران بنا به دلیل واهی «پول ندارم» خودداری کرده است. اما کارگران مصمم هستند که این حقوق خود را دریافت کنند

گوشت بجای قصابی، به سوپر مارکت عرضه میشود

طبق اخبار و تحقیق های متعددی که بعمل آمده، اخیراً مشاهده میشود که بسیاری از قصابان جنوب شهر سهمیه گوشت دریافتی را، که باید جهت مصرف اهالی زحمتکش در منازل های قصابی بفروش برسانند، با کم کردن مقدار

گوشت در منازلها و جمع آوری مقدار زیادی از این گوشتها، آنها را به قیمتهای گران به سوپر مارکت ها عرضه میکنند. مثالیکی از واسطه ها، گوشتی را که باید به مشتری به مبلغ ۱۶۵ ریال عرضه شود، به قیمت ۱۹۰ تا ۲۵۰ ریال به سوپر مارکت ها عرضه میکند. بدین طریق عملاً به نارضایتی مردم دامن زده میشود.

آزادی!

ای خجسته وازه زمان
ای سرود سرکش بهار
ترکش جوانهای روزا
بی تو لحظه ای،
بی تو لحظه ای نمیتوان
در بهار باغ آفتاب
هاشاقانه خواند!

بی تو، دل نمی تپد
به شوق.
بی تو، دانه های سرخ عشق
در ضمیر ما
قد نمی کشند،
بر نمی دهند.
بی تو، چهره ها

همه کیود میشوند
بی تو، جامه ها
همه سیاه،
بی تو، لحظه ها
همه حزین...

دربهار تو
— ای بلند ضربه های شاد زندگی!
نبض تند عشق
ازرگان نازک و ظریف لحظه ها،
از تن تمام قطره ها و ذره ها
میرسد بگوش!

زیر بال تو
— ای بلند بیریق بهار!
گرم میشود ضمیر خاک،
صبح میشود،
بهار میشود،
دستهای بسته گرم کار میشود.
روزگار خفته باز

می کشد
خروش!
ای خجسته وازه زمان
دربهار سرزمین من
جاودانه باشو
جلوه کن

برزین آذر مهر
فروردین ۵۸

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار هم، جزئی که به اینک فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تا کنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری ببار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند. باسپاس.
«مردم»

ریگای کوردستان (راه کردستان)

بزودی منتشر میشود

توجه

با احترام روز
شهادت علی، امام
اول شیعیان، «مردم»
به جای چهارشنبه، روز
پنجشنبه منتشر میشود.

فعالیت ضد کمونیستی امپریالیسم در ایران تشدید شده است

در جهاد سازندگی ثبت نام کنند و برای آنها پرونده هم تشکیل داده اند. تا کنون به چند نفر، به اتهام داشتن عقاید کمونیستی، اجازه شرکت در جهاد سازندگی را نداده اند.

روزنهم مرداد، هنگامیکه دو نفر از هواداران حزب ما، در دروازه کازرون مشغول فروختن روزنامه «مردم» بودند، پیرمردی که برای تحریک مردم داد میزد، «ما کشته داده ایم، اجازه فروش روزنامه کمونیستی نمی دهیم»، به آنها هجوم آورد و روزنامه ها را پاره کرد. مردمی که در آنجا جمع شده بودند، به او اعتراض کردند که نباید روزنامه ها را پاره کرد، چون اینکار را بحساب اسلام می گذارند. چند دقیقه بعد مأموری از کمیته رسید. او ابتدا با پاره کردن روزنامه مخالفت کرد، اما بعد، زیر این عنوان که اینها خلق هستند که روزنامه های شما را پاره میکنند، بدفاع از پیرمرد پرداخت.

نظیر حمله این پیرمرد، با همان شعار، در چند نقطه دیگر کازرون هم گزارش شده است. از فاس و مرودشت هم گزارش رسیده است که چند بار به دهکده های روزنامه فروشی، که «مردم» می فروخته اند، حمله شده است.

گزارش زیر راه یکی از هواداران حزب ما از اصفهان فرستاده است،

کتابفروشی عطایی، واقع در خیابان طالقانی، بوسیله بمب مدتی پیش منفجر شد و در نتیجه یکی از اقوام صاحب کتابفروشی شدت زخمی گردید و بعد از انتقال به بیمارستان، بعلت شدت جراحات وارده، فوت کرد. دزجریان انفجار این کتابفروشی، یک منازه قضایی و یک منازه پارچه فروشی نیز یکلی از بین رفت.

من چندین بار بمحل حادثه رفتم، ولی ماجرای که توجهم را جلب و ماهیت واقعی جنایتکاران را برام روشن کرد، روز شنبه ۳۰ تیرماه، ساعت ۴ بعد از ظهر، اتفاق افتاد. وقتی به محل رسیدم، مردم برای تماشای محل حادثه جمع شده بودند. گروهی از سوی خود را به جمع رسانده بود و سمش میگردید. توجهم جلب شد. دیدم شروع کرده به بدوی راه گفتن به کمونیستها. داخل این کتابفروشی همه نوع کتابی دیده میشد و منحصراً به گروه ویا جمعیت خاصی نبود. از جمله چندین جلد کتاب قرآن و نهج البلاغه هم در داخل کتابفروشی وجود داشت. فردارشی، که اتیکتی که نامش را مشخص کرده باشد، به سینه نداشت، با حرارت مردم را تحریک میکرد که، اگر سابق ماحرفی میزدیم، می گفتند که چیره خوار شاه سابق هستیم، ولی حالا که اینطور نیست و من حتم دارم که اینکار را کمونیستها کرده اند. شما ببینید چه کسی به غیر از اینها حاضر میشود کتاب قرآن را آتش بزند؟ عده ای هم که دچار احساسات شده بودند، شروع کردند به لعن و نفرین کمونیستها. فردارشی که وظیفه خود را بخوبی انجام داده بود، با تبسمی که بر لب داشت، محل را ترک کرد.

فعالیت ضد کمونیستی از وظایف عمده امپریالیسم و ارتجاع است. هر روز که میگذرد، ساواکی ها و اعمال امپریالیسم در ایران، از جمله با مخفی شدن زیر نام اسلام و با استفاده از افراد قشری این فعالیت خائنانه امپریالیستی را تشدید میکنند. لیه تیز ضد انقلاب، که با استفاده از هر وسیله ای قصد بدنام کردن کمونیست ها را دارد، بیش از همه متوجه سرسخت ترین دشمن امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، یعنی حزب توده ایران است.

چند گزارش زیرین، نمونه هایی از این فعالیت ضد خلقی را روشن میکند.

یکی از هواداران حزب ما در نامه ای چنین نوشته است:

«خانه مادریکی از جنوبی ترین نقاط تهران است و مادرم نیز همانند هزاران مادر قدیمی دیگر، از نعمت داشتن سواد و خواندن و نوشتن محروم است، ولی بخاطر عشق به طبقه شوهر و فرزندش، یعنی طبقه کارگر و در نتیجه به پیشاهنگ مبارز و ستاد عملیاتی اش، یعنی حزب طراز نوین طبقه کارگر، حزب توده ایران، روزنامه مردم، ارگان حزب، را بسیار دوست میدارد، آنرا میخرد و بخانه می آورد و میدهد به بر و بچه های با سواد خانه تا برایش بخوانند.

چند روز پیش وقتی مادرم برای خرید «مردم» رفته بود، مرد میان سالی به او نزدیک میشود و میگوید: مادرا شما میدانید که این روزنامه کمونیستی است؟! مادرم جواب میدهد: خوب باشد، مگر چه عیبی دارد؟! او میگوید: مادرا مگر متوجه نیستید این کمونیستها ضد انقلابند؟! اخلاک و خرابکارند!

مادرم به او میگوید: نخیر! شما اشتباه میکنید! کمونیستها واقعی هیچیک از اینها که شما گفتید، نیستند! کمونیستها بسیار انسانهای شریفی هستند و تا بحال هم علیه انقلاب ما دست به هیچ یسک از کارهایی که شما میگویید، نزده اند! ما آنها را دوست داریم! این آدمهای ضد انقلاب و خرابکاری که شما میگویید، همگی از ارتجاع و بازماندگان رژیم شاه مخلوع هستند...

طرف که می بیند سمیه پسر زور است، دیگر چیزی نمیگوید، راهش رامیکشد و میرود.»

— از همدان خبر رسیده است که گروهی از افراد مشکوک، با استفاده از نفوذشان در کمیته ها، زیر پوشش شرکت در جهاد سازندگی، به روستاهای اطراف همدان رفته اند. وظیفه اصلی این افراد تبلیغ علیه کمونیستهاست. آنها به روستائیان میگویند، مواظب باشید کمونیستها نیایند مثل جاهای دیگر خرمن های شما را آتش بزنند.

از طرف دیگر، بدنبال نفوذ همین افراد و استفاده از برخی مسئولان قشری کمیته ها، دقت زیادی بعمل می آید تا دانشجویان و دانش آموزان کمونیست نتوانند برای شرکت

ایجاد ابهام در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران، بسود ضد انقلاب است

واندروخ های میگرد، در آخرین نتیجه به شکست متضخم می انجامد. این حقیقتی است که همه جا اثبات شده، از جمله در کشور خود ما.

۵۰ سال رژیم پهلوی، با بوق و کرنا و با تمام وسائل ممکن، مطبوعات، رادیو، تلوویزیون، تظاهرات، سخنرانیها و حتی وعظ روحانی نماها، کوشید دروغ را بجای راست بخورد مردم دهه، بخمال اینکه مردم جاهلند و با تکرار دروغ میتوان آنها را فریفت.

نتیجه چه شد؟ آیا مردم ایران، همه با هم، در عمل نشان ندادند که دشمن خود را در چهره امپریالیسم، بسردمداری امپریالیسم آمریکا، علی رغم تمام تبلیغات نوع آریامهری، شناخته اند؟

تبلیغات آنکاه در توده های مردم نفوذ میکنند که راست باشد، توده ها باشم خود همیشه و در همه جا سرانجام راست را از دروغ تشخیص میدهند، راست را میپذیرند و به دروغ باور نمیکنند و در نتیجه دروغ پردازان در بین توده ها فقط عرض خود میبرند.

جلوه دادن، محروم کردن چیهه انقلاب از نیروهای ضد امپریالیستی است و این عمل (قطع نظر از نیت مبلغ) تقویت غیر مستقیم ضد انقلاب است.

مقصود از «شرق» — چنانکه میدانیم — کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی است، یعنی کشوری که بزرگترین قدرت ضد امپریالیستی جهان، بزرگترین حامی انقلابهای آزادیبخش و پشتیبان استقلال کشورها، که از حسن اتفاق، هم مرکز کشور ماست و در عمل، در بحبوحه انقلاب ایران، آنکاه که آمریکا میخواست با گسیل نیروی نظامی انقلاب ما را در خون خفه کند، با اخطار جدی و قاطع خود امپریالیسم آمریکا را مجبور کرد دست به ارتکاب این جنایت بزرگ نزند.

نکته ای هم که در این مقال باید گفته شود، بویژه برای آنهاست که به عمد در مرز بندی مورد گفتگو ابهام ایجاد میکنند، اینست که، تبلیغاتی که بر اساس دروغ بنا شده

انقلاب ایران دشمنان سر سخت مشخصی دارد. در داخل کشور بازماندگان رژیم و از گون شده و در عرصه جهانی امپریالیسم، پس کردگی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، که یکی از دستهای اختیاری امپریالیسم خونخوار است. این واقعیتی است که همه کس میدانند و بنابراین هیچکس قادر نیست، این دشمنان شناخته شده را دوست مردم و انقلاب ایران معرفی کند.

از طرف دیگر، در جبهه انقلاب، در داخل کشور، همه طبقات و اقشار زحمتکش و همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد استبدادی قرار گرفته اند که خواستار تامین استقلال ایران در همه زمینه های زندگی و برخورداری از آزادیها و حقوق دمکراتیک هستند، و در عرصه جهانی، همه نیروهای ضد امپریالیستی، که با اصطلاح رایج «شرق» نام گذاری شده اند.

بنابراین تبلیغاتی که در کشور انجام میگیرد — اگر قرار است بسود انقلاب انجام گیرد — باید این مرز بندی بین نیروهای ضد انقلابی

داخلی و خارجی را با نیروهای انقلابی داخلی و خارجی، بی هیچگونه ابهام، در نظر بگیرد، تا در جهت بسیج نیروهای انقلابی در مبارزه علیه نیروهای ضد انقلابی عمل کند.

ولی متأسفانه، در تبلیغاتی که در کشور انجام میگیرد، این مرز بندی بندهی همیشه مشخص نیست. حتی مواردی که چندین نادر دیده میشود که از زبان برخی مقامات مسئول نیز، ابهامی در این مرز بندی ایجاد میشود، از جمله از طریق بکار بردن اصطلاح «شرق و غرب»، «امپریالیسم شرق و غرب»، «جها نخواران شرق و غرب» و نظایر آنها، که دوستان واقعی انقلاب ایران و بطور کلی انقلابها و جنبش های رهائی بخش ضد امپریالیستی را در کنار دشمنان غدار مردم ایران و دیگر ملل ستمدیده قرار میدهد. این شیوه تبلیغاتی — بدیهی است — (دانسته یا ندانسته) بسود ضد انقلاب است، زیرا دوست رادشمن

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق